



Management & Development Process

چکیده

رابطه میان رشد اقتصادی و توزیع درآمد، از جمله موضوعاتی است که برای همه کشورها به ویژه اقتصادهای در حال توسعه بسیار حایز اهمیت است. درباره ارتباط این دو پدیده، دیدگاه‌های متفاوت و در بعضی موارد، متضادی وجود دارد. هدف پژوهش حاضر، بررسی تحلیلی رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد در کشورهای حوزه آمریکای لاتین است. برای این کار، از دو شاخص ضریب جینی و نسبت پراکندگی درآمدی دهکها استفاده می‌شود. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، ارتباط این دو پدیده در منطقه آمریکای لاتین، برای برخی کشورها مثبت و برای برخی دیگر منفی بوده است. برای کشورهایی مانند برزیل و آرژانتین، رشد اقتصادی و توزیع درآمد، همجهت بوده‌اند، اما در کشوری مانند شیلی، رشد همراه با سیاست‌های حمایتی جدی دولت، بر توزیع درآمد مؤثر بوده است. در مجموع، از سال ۲۰۰۳ میلادی، در اقتصادهای حوزه آمریکای لاتین، روند بهبود در توزیع درآمد آغاز شده است. ویژگی مهم این دوره، همزمانی رشد اقتصادی با توسعه برنامه‌های حمایت اجتماعی دولت‌هاست.

طبقه‌بندی JEL: J31, J23, I21, D31, C15

کلیدواژه‌ها: توزیع درآمد، آمریکای لاتین، ضریب جینی، درآمد دهکها، رشد اقتصادی

بررسی تحلیلی رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد در کشورهای منطقه آمریکای لاتین

مصطفی سلیمی‌فر
علی طاهری‌فرد

بررسی تحلیلی رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد در کشورهای منطقه آمریکای لاتین

مصطفی سلیمی فر^۱

علی طاهری فرد^۲

مقدمه

ریشه‌کنی فقر و توزیع عادلانه درآمد، یکی از مهمترین اهداف و نگرانی‌های همه کشورها در مسیر توسعه است. هر چند سایر ابعاد غیربולי نابرابری، مانند تبعیض در مالکیت زمین، شرایط کار، ارضای شغلی، میزان تأثیرگذاری بر تصمیم‌سازی‌ها در کار و جامعه و تأثیر تفاوت‌های قومیتی بر دستمزد و نظایر آن، می‌تواند تأثیر مهمی بر کیفیت زندگی قشر فقیر داشته باشد، اما آنچه در مقاله حاضر مورد توجه قرار می‌گیرد، ابعاد اقتصادی نابرابری است.

برای توضیح تغییرات توزیع درآمد در مسیر توسعه، نظریه‌های مختلفی بیان شده است. از یک سو، رشد سریع، راه‌حل کاهش فقر دانسته شده است. اما در بسیاری موارد، این رشد سریع به افزایش نابرابری منجر شده است. از این رو، ارتباط میان رشد اقتصادی و توزیع درآمد، یکی از نگرانی‌های جدی کشورها بوده است (واکر^۳، ۲۰۰۷: ۶۴). توزیع نابرابر درآمد، ممکن است به فساد، آشوب‌های اجتماعی، نارضایتی عمومی و در نهایت، به سقوط یک دولت و حتی حکومت منجر شود.

توزیع نابرابر درآمد در آمریکای لاتین بسیار زیاد است. دومین منطقه از حیث

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی
دانشکده اقتصاد دانشگاه فردوسی
مشهد
Mostafa@um.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه
فردوسی مشهد

taherifard1361@yahoo.com

3. Walker

نابرابری درآمدی است. با اینکه میزان نابرابری در دهه اخیر، در مقایسه با دهه گذشته کاهش یافته است، همچنان نابرابری درآمد در این منطقه بسیار زیاد است. به طوری که میانگین ضریب جینی آمریکای لاتین، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، حدود ۵۴/۹ درصد بوده است (مؤسسه جهانی پژوهش‌های اقتصادی توسعه^۱، ۲۰۰۹).

برای بررسی الگوی توزیع درآمد میان کشورهای مختلف، چهار محدودیت اصلی وجود دارد: اولاً، در برخی کشورها، اطلاعات مورد نیاز درباره توزیع درآمد وجود ندارد. دوم اینکه، برخی از تعاریف و مفاهیم درباره درآمد و توزیع درآمد، پیچیده هستند و جمع‌آوری داده باکیفیت، قابل اعتماد و با پوشش مناسب را دشوار می‌کنند. سوم اینکه، توجه به آثار عواملی از جمله ساختار سنی جامعه، تفاوت‌ها در ساختار خانوارها و ارزش‌های فرهنگی و مذهبی بر توزیع درآمد دشوار است. چهارم اینکه، شاخص واحدی وجود ندارد که بتوان با آن، همه ابعاد نابرابری را در توزیع درآمد نشان داد. به عبارت دیگر، هر یک از شاخص‌های نابرابری، یکی از ابعاد نابرابری را در توزیع درآمد نشان می‌دهند و شاخص واحدی برای نمایش همه این ابعاد وجود ندارد (واکر، ۲۰۰۷: ۶۴۷).

یکی از موضوعاتی که توضیح آن ضرورت دارد، تفاوت فقر و توزیع نابرابر درآمد است. فقر به میزان مصرف و درآمد در یک کشور و توزیع مصرف و درآمد بستگی دارد. برای اندازه‌گیری فقر، وضعیت مصرف و درآمد افراد و خانوارهای دهک‌های پایین درآمدی و هزینه‌ای ارزیابی می‌شود. اما نابرابری مفهومی گسترده‌تر است که در آن، وضعیت مصرف و درآمد در کل جامعه بررسی می‌شود و تغییرات سطح زندگی در کل جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد.

پس از مقدمه، در بخش دوم مقاله، پژوهش‌های اصلی درباره رابطه توزیع درآمد و رشد اقتصادی، به ویژه در آمریکای لاتین مرور می‌شود. سپس مقیاس‌های اندازه‌گیری نابرابری، به طور مختصر و مفید توضیح داده می‌شود. در بخش چهارم، وضعیت توزیع درآمد در کشورهای منطقه آمریکای لاتین تشریح می‌شود. در پایان، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بیان می‌گردد.

1. World Institute for Development economic Research (WIDER)

۲- مروری بر پژوهش‌های پیشین

در این بخش، مهمترین پژوهش‌های انجام شده، در دو حوزه رابطه توزیع درآمد و رشد اقتصادی و توزیع درآمد در حوزه آمریکای لاتین، به طور مختصر مرور می‌شود.

۲-۱- رابطه توزیع درآمد و رشد اقتصادی

در سال‌های نخستین پس از جنگ جهانی دوم که مشکل بیشتر کشورها، به ویژه کشورهای تازه استقلال یافته، درآمد سرانه و تولید ملی اندک بود، در اغلب پژوهش‌ها، توسعه معادل رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شد. در آن زمان، متفکران اقتصادی مهمترین راه دستیابی به توسعه را انباشت سرمایه فیزیکی می‌دانستند (گرشنکرن^۱، رستو^۲، ۱۹۶۰، نورکس^۳، ۱۹۵۳ و لویس^۴، ۱۹۵۵). طبق این دیدگاه، توزیع نابرابر درآمد، لازمه رشد اقتصادی است. زیرا در صورت توزیع برابر درآمد، میل نهایی به مصرف در سطح کلان کم می‌شود و در نتیجه پس‌انداز و امکان انباشت سرمایه کاهش می‌یابد.

در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، درآمد سرانه بسیاری از کشورهای در حال توسعه، نسبت به دوره‌های قبل افزایش یافته بود، اما فقر و توزیع ناعادلانه درآمد در کشورهای مذکور بسیار ناخوشایند بود. بدین ترتیب، رویکرد دیگری درباره رابطه توزیع درآمد و رشد و توسعه اقتصادی مطرح شد. محبوب‌الحق^۵ (۱۹۷۳) این چنین می‌نویسد: «تاکنون به ما گفته می‌شد به رشد اقتصادی بیندیشید، مسئله توزیع درآمد حل خواهد شد، حال ما می‌گوییم به فقر بیندیشید، رشد محقق خواهد شد».

یکی دیگر از پژوهش‌های بسیار مهم درباره رابطه توزیع درآمد و رشد اقتصادی، کار معروف کوزنتس^۶ در سال ۱۹۵۵ و الگوی پیشنهادی U معکوس است. بر اساس این الگو، ابتدا با افزایش درآمد سرانه، نابرابری در کشورها تشدید می‌شود و پس از گذر اقتصاد از مرحله توسعه‌نیافتگی، به تدریج نابرابری کاهش می‌یابد. البته درباره وجود رابطه از آن نوع که کوزنتس مطرح می‌کند، اتفاق نظر وجود ندارد.

رویکرد اقتصاددانان تجارت بین‌الملل به رابطه مذکور نیز درخور توجه است.

1. Gerschenkron
2. Rostow
3. Nurkse
4. Lewis
5. Haq
6. Kuznets

فرضیه اساسی، یعنی تأثیر آزادسازی تجاری بر توزیع درآمد، مبتنی بر نظریه استولپر-ساموئلسون^۱ است. بر اساس نظریه فوق، تحت فروضی خاص تجارت آزاد موجب خواهد شد کشورها در هر زمینه‌ای که منابع تولیدی بیشتری دارند، به درآمد بسیاری دست یابند. در واقع، درآمد عامل تولید فراوان (در کشورهای در حال توسعه، نیروی کار) افزایش و درآمد عامل تولید کمیاب، کاهش می‌یابد. از این رو، شکاف درآمدی در کشورهای در حال توسعه کاهش خواهد یافت. اما در عمل، چنین اتفاقی نیفتاد. مهمترین دلیل شکست این نظریه، فروض غیرواقعی آن بود. برای مثال، در این نظریه، فرض می‌شود که سرمایه و نیروی کار، به راحتی جانشین یکدیگر می‌شوند و جابجایی آنها بین بخش‌های اقتصادی مختلف نیز به راحتی صورت می‌گیرد. این در حالی است که سرمایه به راحتی از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه منتقل نمی‌شود (لوکاس^۲، ۱۹۸۸). حتی سرمایه از بخش‌های مدرن یک کشور، مانند مناطق شهری به سادگی به مناطق کمتر توسعه‌یافته، مانند روستاها یا شهرهای کوچک‌تر منتقل نمی‌شود (موسی^۳، ۱۹۷۴).

با اهمیت یافتن مباحث مرتبط با توسعه پایدار، برابری توزیع درآمد، جایگاه ویژه‌ای در میان اقتصاددانان یافته است. توسعه پایدار، سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دارد که در بعد اجتماعی آن، وضعیت توزیع درآمد در جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد. ارتباط تنگاتنگ میان این دو مفهوم و پیدایش مفاهیم جدیدی، مانند اقتصاد دانایی‌محور و توسعه انسانی موجب شده است که اکنون، توزیع نابرابر درآمد، ضد رشد و توسعه اقتصادی دانسته شود (سلیمی فر و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰).

۲-۲- توزیع درآمد در آمریکای لاتین

دابسون^۴ (۲۰۰۹) در پژوهشی، رابطه فساد و نابرابری درآمدی را در آمریکای لاتین بررسی کرد. طبق یافته‌های پژوهش مذکور، در کشورهایی که بخش غیررسمی اقتصاد بزرگ است، رابطه فساد و نابرابری معکوس است. از این رو، در کشورهای حوزه آمریکای لاتین که بخش غیررسمی، حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد اقتصاد را شامل می‌شود، کاهش فساد به افزایش نابرابری می‌انجامد.

انگل، گالتویک و راداتس^۵ (۱۹۹۹)، در پژوهشی اثر مالیات را بر توزیع درآمد در شیلی مورد بررسی قرار داده‌اند. به اعتقاد آنها، توزیع درآمد در شیلی، قبل و بعد

1. Stolper-Samuelson
2. Lucas
3. Mussa
4. Dobson
5. Engel, Galetovic, Raddatz

از مالیات بسیار مشابه است.

واکر (۲۰۰۷) در پژوهشی، الگوهای توزیع درآمد را بین مناطق مختلف جهان تشریح کرده است. وی در پژوهش مذکور، رابطه میان توزیع نابرابر درآمد با رشد اقتصادی، سطح زندگی و منطقه جغرافیایی را مورد بررسی قرار داده است. واکر نتیجه گرفت که در بلندمدت، ارتباط معکوس میان رشد اقتصادی سریع تر و توزیع برابر درآمد وجود ندارد.

ورچر و کالویج^۱ (۲۰۰۶) در پژوهشی، نقش توزیع درآمد را در رابطه فقر با رشد اقتصادی، با استفاده از روش داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها مفهومی به نام کشش درآمدی فقر را معرفی کرده‌اند که تغییرات فقر را با توجه به رشد درآمد نشان می‌دهد. در پژوهش مذکور، نشان داده می‌شود که کشش درآمدی فقر، به طور معناداری با توزیع اولیه درآمد ارتباط دارد.

بلانکو^۲ (۲۰۰۹) در پژوهشی، رابطه میان نابرابری و رشد اقتصادی را در آمریکای لاتین مورد بررسی قرار داده است. طبق یافته‌های پژوهش مذکور، برابری بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد. در این پژوهش، تغییرات توزیع درآمد در کشورهای حوزه آمریکای لاتین، به ویژه در سه دهه اخیر مورد بررسی قرار گرفته و تغییر رویکرد سیاسی - اقتصادی اغلب کشورهای این منطقه در دهه اخیر - که متأثر از نابسامانی‌های اقتصادی آمریکای لاتین در دهه ۱۹۹۰ میلادی است - روشن شده است.

۳- مقیاس‌های اندازه‌گیری نابرابری

شاخص‌های مختلفی برای اندازه‌گیری نابرابری در جامعه وجود دارد که در ادامه، برخی از آنها بیان می‌شود:

۳-۱- شاخص‌های آنتروپی تعمیم‌یافته^۳ (GE): لیچفیلد^۴ (۱۹۹۹) توجه به

فروض زیر را برای شاخص‌های آنتروپی تعمیم‌یافته ضروری دانسته است:

الف- اصل انتقال پیگو- دالتون^۵: بر این اساس، انتقال درآمد از ثروتمند به فقیر

باید به صورت کاهش در نابرابری و انتقال درآمد از فقیر به ثروتمند، باید به صورت افزایش در نابرابری منعکس شود.

ب- استقلال از مقیاس درآمد: شاخص نابرابری، نباید به میزان درآمد کل

وابسته باشد.

1. Verschoor, Kalwij
2. Blanco
3. Generalized Entropy
4. Litchfield
5. Pigou-Dalton

ج- بی نامی^۱: شاخص باید فقط از وضعیت درآمدی افراد تأثیر پذیرد و سایر ویژگی‌های افراد نباید در آن منعکس شود.

د- قابل تجزیه بودن: برای این منظور لازم است که شاخص نابرابری، با اجزای تشکیل‌دهنده توزیع درآمد، مانند گروه‌های جمعیتی سازگار و به آنها تجزیه‌پذیر باشد.

هر شاخصی که چهار ویژگی فوق را داشته باشد، در گروه شاخص‌های نابرابری آنتروپی تعمیم‌یافته (GE) طبقه‌بندی می‌شود. فرمول کلی شاخص‌های نابرابری طبقه آنتروپی تعمیم‌یافته (GE) به صورت زیر است:

$$GE(\alpha) = \frac{1}{\alpha^2 - \alpha} \left[\frac{1}{n} \sum_i^n \left(\frac{y_i}{\bar{y}} \right)^\alpha - 1 \right] \quad (1)$$

افراد تعداد نمونه در = n

درآمد فرد y_i =

میانگین حسابی درآمد افراد = \bar{y}

بازه مقدار شاخص آنتروپی تعمیم‌یافته (GE) از صفر تا بی‌نهایت است. مقدار صفر، بیانگر توزیع برابر درآمد است. هرچه مقدار شاخص، از صفر دور شود، نابرابری بیشتر می‌گردد. پارامتر α ، وزن فواصل میان درآمدهای مختلف را در گروه‌های مختلف توزیع درآمد نشان می‌دهد. با قراردادن پارامترهای صفر و یک در (GE)، به دو شاخص تایل^۲ و میانگین لگاریتم انحراف^۳ خواهیم رسید: میانگین لگاریتم انحراف:

$$GE(0) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \log \frac{\bar{y}}{y_i}$$

شاخص تایل:

$$GE(1) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \frac{y_i}{\bar{y}} \log \frac{y_i}{\bar{y}}$$

دو شاخص فوق، به دلیل ویژگی تجزیه‌پذیری، به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

1. Anonymity
2. Decomposability
3. Theil
4. Mean Log Deviation

۲-۳- شاخص های طبقه اتکینسون^۱

فرمول عمومی شاخص های گروه اتکینسون، به صورت زیر است:

$$A_{\varepsilon} = 1 - \left[\frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \left[\frac{y_i}{\bar{y}} \right]^{1-\varepsilon} \right]^{\frac{1}{1-\varepsilon}} \quad (2)$$

پارامتر $0 < \varepsilon < \infty$ بیانگر میزان نابرابری است. به عبارت دیگر، هر چه مقدار این پارامتر بیشتر باشد، نابرابری درآمدی بیشتر است. شاخص اتکینسون، در بازه صفر تا یک قرار دارد و مقدار صفر این شاخص، نبود نابرابری را نشان می دهد (اتکینسون، ۱۹۷۰). اگر $\varepsilon = 1$ را در رابطه (۱) قرار دهیم، برای مقادیر $1 < \alpha$ ، شاخص های طبقه آنتروپی تعمیم یافته و اتکینسون معادل می گردند (کوئل^۲، ۱۹۹۵).

۳-۳- شاخص ضریب جینی^۳

چهار اصل فوق که لیچفارد مطرح کرده است، در ضریب جینی مورد توجه قرار گرفته اند. اما در شرایطی که زیربخش های درآمدی همپوشانی دارند، اصل تجزیه پذیری نقض می شود. رابطه زیر، شاخص ضریب جینی را نشان می دهد (جینی، ۱۹۱۲):

$$Gini = \frac{1}{2n^2 \bar{y}} \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^n |y_i - y_j| \quad (3)$$

شاخص ضریب جینی، در بازه صفر تا یک است. مقدار صفر این شاخص، توزیع برابر درآمد را نشان می دهد.

۴-۳- نسبت پراکندگی درآمدی دهک ها^۴

برای محاسبه این شاخص، نسبت میانگین درآمد یا مصرف یک یا دو دهک بالایی به درآمد یا مصرف یک یا دو دهک پایینی برآورد می شود. یکی از مزیت های شاخص مذکور این است که داده های مربوط به آن، برای اغلب کشورها موجود است.

برای اغلب کشورهای حوزه آمریکای لاتین، شاخص ضریب جینی و نسبت پراکندگی دهک ها موجود است، اما سایر شاخص ها به طور پراکنده و اندک در دسترس هستند. از این رو، در پژوهش حاضر، صرفاً دو شاخص ضریب جینی و

1. Atkinson
2. Cowell
3. Gini Coefficient
4. Deciles Desperation Ratio

نسبت پراکندگی دهک‌ها استفاده خواهد شد.

۴- توزیع درآمد در حوزه آمریکای لاتین

در بخش حاضر، توزیع درآمد در کشورهای برزیل، شیلی، آرژانتین، اروگوئه، ونزوئلا و سایر کشورهای منطقه آمریکای لاتین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

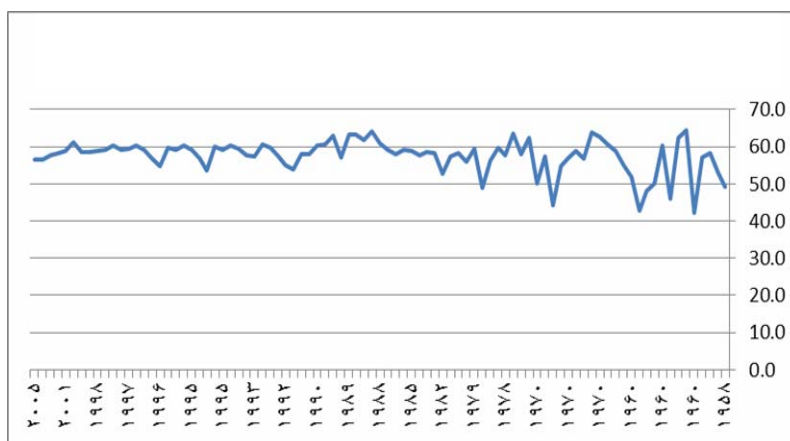
۴-۱- برزیل

مباحث جدی درباره توزیع درآمد در برزیل، در دهه ۱۹۶۰ آغاز شد. روند داده‌ها در این دهه، افزایش نابرابری را در این کشور نشان می‌دهد. در این دوره که بخشی از آن با روی کار آمدن دولتی نظامی همراه بود، ضریب جینی از ۰/۵۰ به ۰/۵۷ افزایش یافت. لانگونی^۱ (۱۹۷۳)، دلیل این نابرابری را رشد سرمایه انسانی دانسته‌اند. آنها نشان دادند که افزایش درآمد نیروی کار آموزش دیده، موجب رشد نابرابری در این کشور شده است. گروهی دیگر، این استدلال را نپذیرفتند. باچا و تیلور^۲ (۱۹۷۸)، دلیل نابرابری را در دهه ۱۹۶۰، تعدیل با وقفه دستمزدها و کاهش حقوق با وجود تورم شتابان این دوره دانسته‌اند (کوز^۳، ۲۰۰۸: ۳۶۴).

در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، اقتصاد برزیل دچار عدم تعادل‌های جدی شد. رکود شدید و تورم فزاینده، از ویژگی‌های این دوره بود. درآمد سرانه واقعی در اوایل دهه ۱۹۹۰، به کمتر از مقدار آن در سال ۱۹۸۱ رسید. پس از سال ۱۹۹۴ که برنامه ثبات قیمت‌ها در برزیل اجرا شد، نابرابری درآمدی تا حدودی کاهش یافت (سوتومایر^۴، ۲۰۰۹: ۱۷۰۷).

از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷، درآمد سرانه واقعی همه دهک‌ها در کشور برزیل رشد یافته است. همچنین در این دوره، نابرابری در توزیع درآمد کاهش یافت. به طوری که ضریب جینی از ۵۸/۶ درصد در سال ۱۹۹۹، به ۵۶/۴ درصد در سال ۲۰۰۵ رسید (مؤسسه جهانی پژوهش‌های اقتصادی توسعه، ۲۰۰۹).

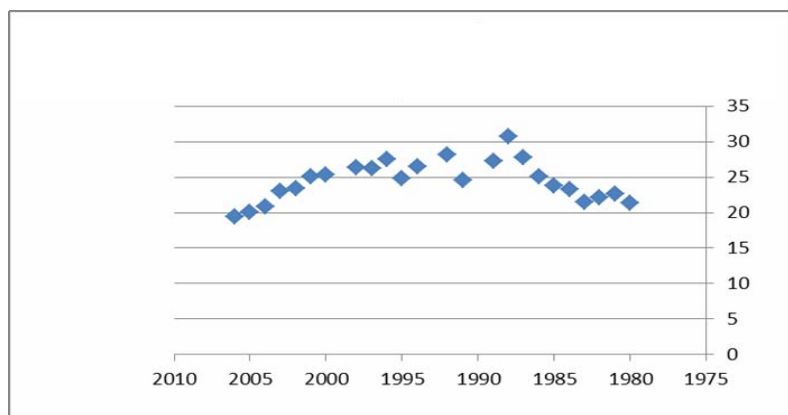
1. Langoni
2. Bacha and Taylor
3. Coes
4. Sotomayor



نمودار (۱): تعمیرات ضریب جینی کشور برزیل ۱۹۵۸-۲۰۰۵

منبع: بانک جهانی، ۲۰۰۹

همان‌طور که در بخش قبل بیان شد، یکی دیگر از شاخص‌هایی که می‌تواند میزان نابرابری درآمدی را نشان دهد، نسبت درآمد دهک‌های بالایی و پایینی است. بر اساس نمودار (۲)، نسبت درآمد دودهک بالایی به دو دهک پایینی، به ویژه بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶، به طور محسوسی کاهش یافته است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که رشد اقتصادی و به تبع آن، افزایش درآمد سرانه، به ویژه در دهه اخیر، موجب کاهش نابرابری درآمدی، در برزیل شده است.

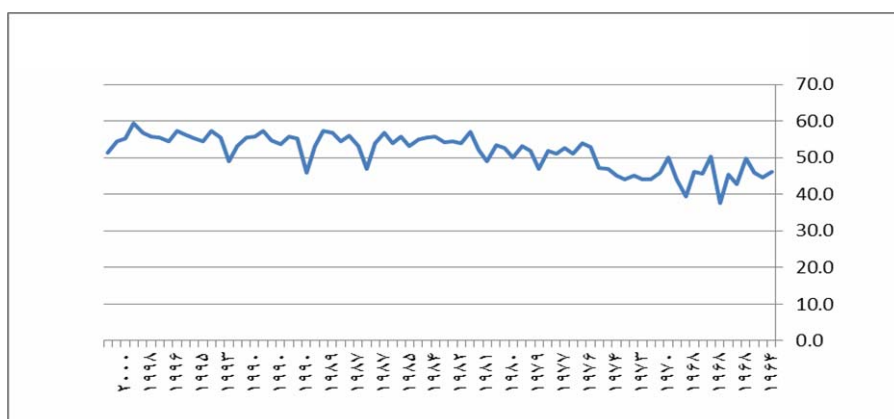


نمودار (۲): نسبت درآمد دو دهک بالایی به دو دهک پایینی در کشور برزیل ۱۹۷۷-۲۰۰۶

منبع: بانک جهانی، ۲۰۰۹

۲-۴- شیلی

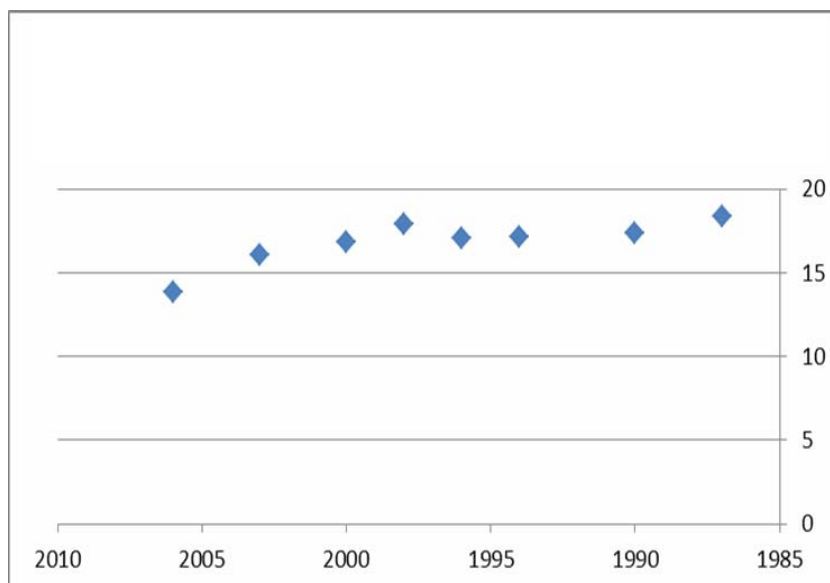
یکی از مشکلات اقتصاد شیلی، نابرابری درآمدی بسیار زیاد است. هر چند در دهه اخیر، نشانه‌های امیدواربخشی درباره کاهش این نابرابری‌ها مشاهده شده است. ضریب جینی بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰، تقریباً بدون تغییر باقی مانده و از ۵۵/۲ درصد به ۵۵/۱ درصد کاهش یافته است. این رقم در سال ۲۰۰۳، به ۵۴/۳ درصد و در سال ۲۰۰۶، به ۵۱/۴ درصد رسیده است.



نمودار (۳): ضریب جینی کشور شیلی ۱۹۶۴-۲۰۰۶

منبع: بانک جهانی، ۲۰۰۹

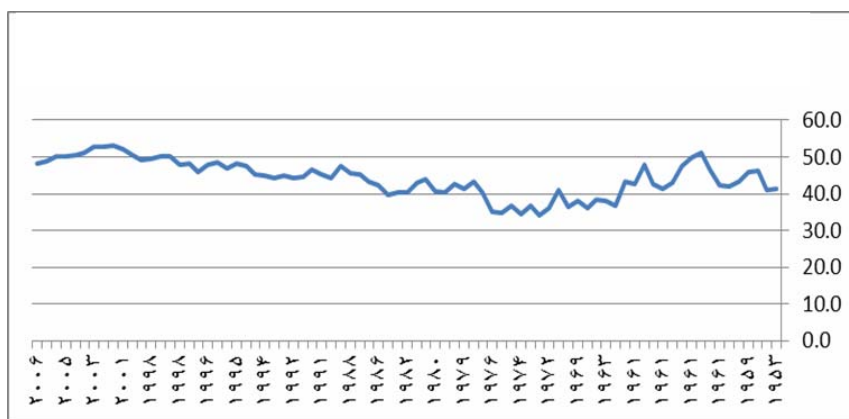
در دهه اخیر، نسبت درآمدی دو دهک بالا به دهک پایین نیز به طور محسوسی در شیلی کاهش یافته است و از حدود ۱۷ در دهه ۱۹۹۰، به ۱۳/۵ در سال ۲۰۰۶ کاهش یافته است. نکته جالب توجه این است که میانگین رشد اقتصادی این کشور در دهه ۱۹۹۰، حدود ۶/۴ درصد و در دهه اول قرن بیست و یکم، ۳/۴ درصد بوده است. به عبارت دیگر، در شیلی میان رشد اقتصادی و توزیع درآمد، رابطه مستقیمی وجود نداشته است، بلکه سیاست‌های حمایتی که دولت شیلی در کنار این رشد، اتخاذ کرده، بر توزیع درآمد مؤثر بوده است.



نمودار(۴): نسبت درآمدی دو دهک بالایی به دو دهک پایینی در کشور شیلی ۱۹۸۷-۲۰۰۶
منبع: بانک جهانی، ۲۰۰۹

۳-۴- آرژانتین

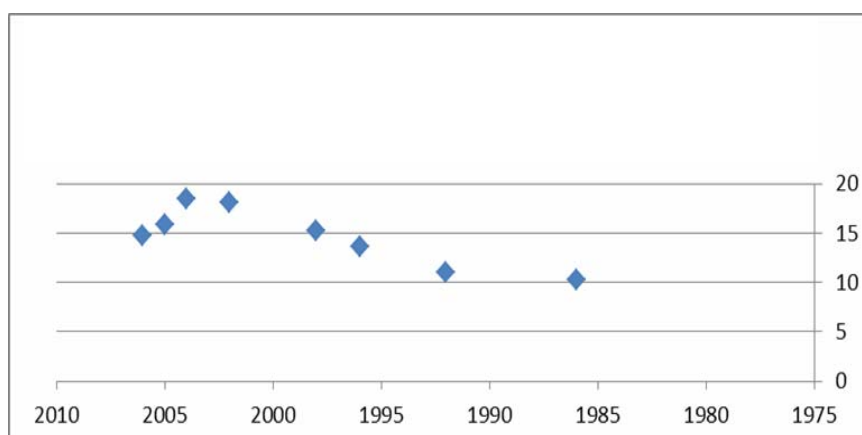
طی دهه ۱۹۹۰ میلادی، نابرابری درآمدی در آرژانتین به میزان بسیاری افزایش یافت. این روند با اصلاحات ساختاری اقتصاد آرژانتین (آزادسازی و خصوصی سازی اقتصاد) در اواخر این دهه، با سرعت بیشتری افزایش یافت و در سال های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲، همزمان با بحران اقتصادی آرژانتین به اوج خود رسید. ضریب جینی از ۴۵ درصد در سال ۱۹۹۰، به ۵۲ درصد در سال ۲۰۰۲ افزایش یافت. اما پس از بحران اقتصادی سال های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲، ضریب جینی به میزان بسیاری کاهش یافت و به ۴۸ درصد در سال ۲۰۰۶ رسید.



نمودار (۵): ضریب جینی کشور آرژانتین ۱۹۵۳-۲۰۰۶

منبع: بانک جهانی، ۲۰۰۹

نسبت درآمد دهک‌های نهم و دهم به دهک اول و دوم نیز نتایج فوق را درباره تغییرات نابرابری درآمدی در کشور آرژانتین تأیید می‌کند.



نمودار (۶): نسبت درآمد دو دهک بالا به دو دهک پایین در کشور آرژانتین ۲۰۰۶-۲۹۸۶

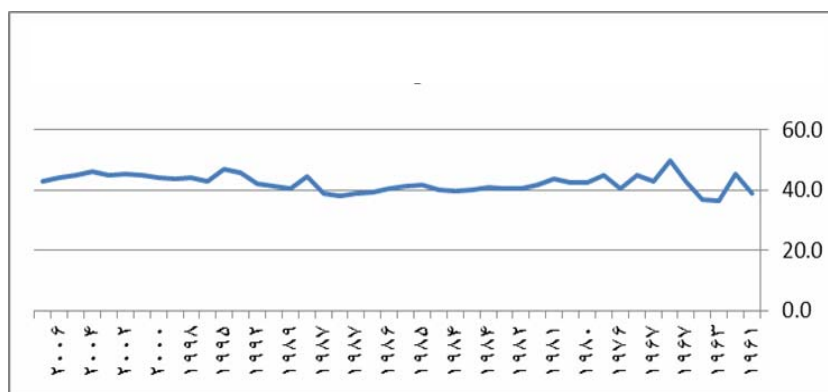
رشد اقتصادی کشور آرژانتین بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲، بسیار نوسان داشته است. در حالی که رشد این کشور در سال ۱۹۹۲ میلادی، حدود ۱۰

درصد بود، پس از اصلاح ساختار اقتصادی به ۳ درصد در سال ۱۹۹۹ و ۱۰ درصد در سال ۲۰۰۲ کاهش یافت. اما پس از خروج اقتصاد آرژانتین از رکود سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲، میانگین رشد اقتصادی آن بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸، به حدود ۸/۸ درصد افزایش یافت (مؤسسه جهانی پژوهش‌های اقتصادی توسعه، ۲۰۰۹).

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بهبود وضع اقتصادی و افزایش تولید ناخالص داخلی آرژانتین بر توزیع درآمد اثر مثبت داشته است.

۴-۴- اروگوئه

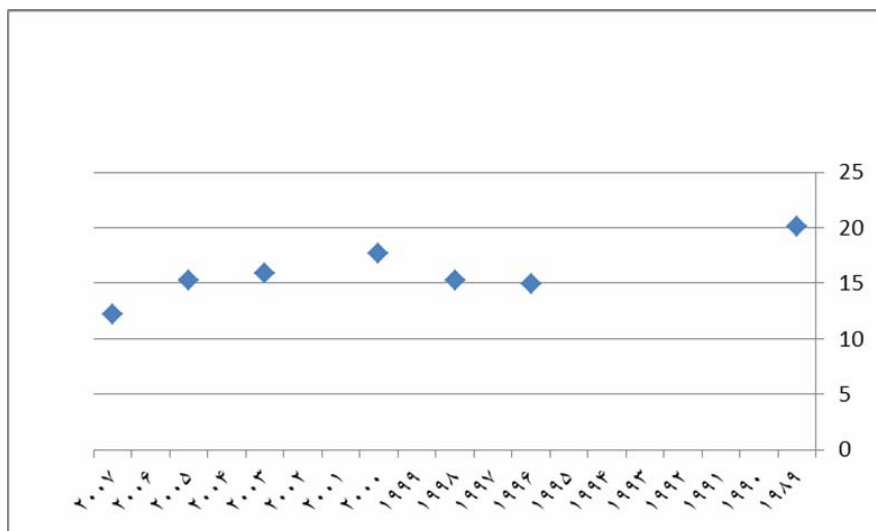
اقتصاد اروگوئه بعد از رکود در نیمه اول دهه ۱۹۸۰ میلادی، بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۴ رشد مناسبی داشته است. سپس حدود دو سال، مجدداً دچار رکود شد. در این دوره، برنامه‌های ثبات اقتصادی نیز اجرا شد که تورم را به میزان بسیاری کاهش داد. سپس تجارت آزاد، به ویژه با آرژانتین و برزیل نیز در دستور کار اروگوئه قرار گرفت. یک اصلاح جدی نیز در نقش دولت در اقتصاد انجام شد و دخالت‌های دولتی در اقتصاد افزایش یافت. با تغییراتی که پس از سال ۱۹۹۵، در بازار کار و نظام‌های حمایت اجتماعی ایجاد شد، توزیع درآمد نیز در این کشور بهبود یافت (گرودین^۱ و همکاران، ۲۰۰۱: ۲).



نمودار (۷): ضریب جینی اروگوئه ۱۹۶۱-۲۰۰۷

منبع: بانک جهانی، ۲۰۰۹

وضعیت توزیع درآمد در اروگوئه، از سایر کشورهای حوزه آمریکای لاتین بهتر است، به طوری که مقدار ضریب جینی در سال ۲۰۰۷، حدود ۴۳ درصد بوده است که کمترین مقدار ضریب جینی در این منطقه است.



نمودار (۸): نسبت درآمدی دو دهک بالایی به پایینی در اروگوئه ۲۰۰۷-۱۹۸۹
منبع: بانک جهانی، ۲۰۰۹

نسبت درآمدی دو دهک بالایی به دو دهک پایینی در اروگوئه نیز از ۱۷ برابر در سال ۲۰۰۰، به ۱۲ برابر در سال ۲۰۰۷ کاهش یافته است که بهبود وضعیت درآمد را در این کشور نشان می‌دهد (مؤسسه جهانی پژوهش‌های اقتصادی توسعه، ۲۰۰۹).

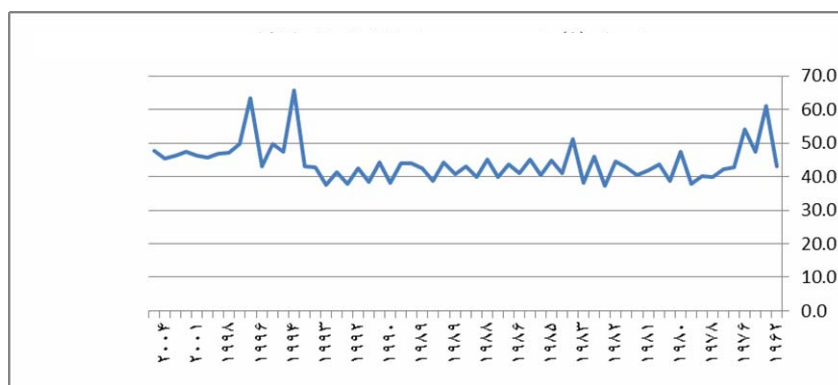
۴-۵- ونزوئلا

در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ میلادی، بیکاری، تورم و فقر در ونزوئلا افزایش یافت و اقتصاد آن از نوسان بسیار زیادی برخوردار بود. در دهه ۱۹۹۰ میلادی، پرز^۱ رئیس‌جمهور نئولیبرال ونزوئلا، سیاست‌های بازار آزاد را اجرا کرد و برای کوچک کردن اندازه دولت، به کاهش برنامه‌های حمایت اجتماعی پرداخت. این موضوع، موجب افزایش نابرابری درآمدی در ونزوئلا شد و مردم به رئیس‌جمهور چپ‌گرایش یافتند. بنابراین، چاوز^۲ رئیس‌جمهور ونزوئلا شد. هرچند اطلاعات درباره توزیع درآمد در زمان چاوز بسیار متفاوت است، اما در مجموع، می‌توان نتیجه

1. Perez
2. Chavez

گرفت وضعیت توزیع درآمد در دوره ریاست جمهوری چاوز بهبود یافته است (بیزی^۱، ۲۰۰۸: ۶۸).

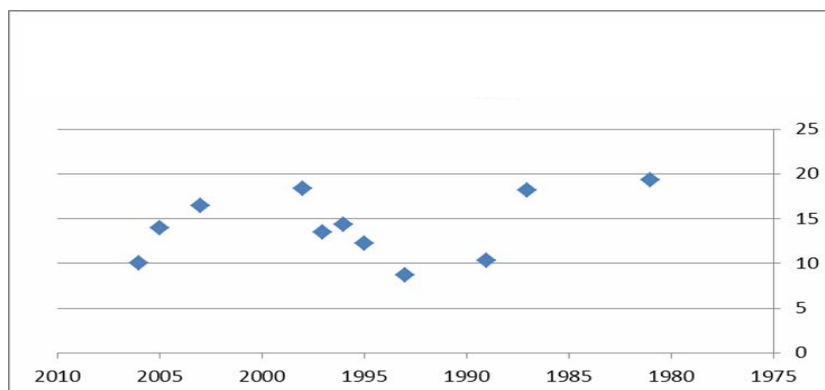
ضریب جینی پس از سال ۱۹۹۹، به میزان بسیاری کاهش یافته و از حدود ۰/۶ به ۰/۴۸ رسیده است.



نمودار (۹): ضریب جینی و نزوئلا ۲۰۰۶-۱۹۶۱

منبع: بانک جهانی، ۲۰۰۹

همچنین نسبت درآمد دو دهک بالایی به پایینی، در دوره ریاست جمهوری چاوز کاهش یافته و از حدود ۱۷ برابر به ۱۰ برابر رسیده است و بهبود توزیع درآمد را در این کشور نشان می‌دهد (مؤسسه جهانی پژوهش‌های اقتصادی توسعه، ۲۰۰۹).



نمودار (۱۰): نسبت درآمدی دو دهک بالایی به دو دهک پایینی در نزوئلا ۲۰۰۶-۱۹۸۱

منبع: بانک جهانی، ۲۰۰۰

۴-۶- سایر کشورهای منطقه آمریکای لاتین

در این بخش، وضعیت توزیع درآمد در برخی دیگر از کشورهای حوزه آمریکای لاتین، به طور مختصر بیان می‌شود. توزیع درآمد در پاراگوئه نوسان‌های زیادی داشته، به طوری که در دهه ۱۹۹۰، ضریب جینی از ۵۸/۴ درصد به ۵۵ درصد کاهش یافته است. دوباره این ضریب در سال ۲۰۰۳، به ۵۸ درصد افزایش یافت که دلیل آن، بحران اقتصادی پاراگوئه در آن سال بود. سپس مجدداً در سال ۲۰۰۶، به ۵۴/۹ درصد کاهش یافت (گاسپارینی، کراکس، تورنارولی^۱، ۲۰۰۹: ۶).

در کلمبیا و اکوادور نیز پس از افزایش نابرابری در دهه ۱۹۹۰ میلادی، ضریب جینی در دهه اول قرن بیستم، کاهش یافته است که بهبود وضعیت توزیع درآمد را در این کشور نشان می‌دهد.

نابرابری درآمدی در کاستاریکا نیز بسیار زیاد است و ضریب جینی آن بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱، از ۴۴/۶ درصد به ۵۰ درصد افزایش یافت. هرچند در سال‌های اخیر، اصلاحاتی در وضعیت توزیع درآمد کاستاریکا ایجاد شده است. وضعیت توزیع درآمد در کشورهای هندوراس، نیکاراگوئه، گواتمالا، پاناما نیز چندان مناسب نیست و ضریب جینی این کشورها بیش از ۵۰ درصد است (گاسپارینی، کراکس، تورنارولی، ۲۰۰۹: ۷).

۴-۷- نابرابری عمومی در منطقه آمریکای لاتین

در اواخر دهه ۱۹۸۰ و در دهه ۱۹۹۰ میلادی، بسیاری از کشورهای منطقه آمریکای لاتین، اصلاحات اقتصادی متناسب با بازار آزاد انجام دادند. این اصلاحات، آزادسازی مالی و تجاری، خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی را شامل می‌شد که موجب رشد انباشت سرمایه فیزیکی و بهبود وضعیت فناوری گردید. این تغییرات موجب افزایش بیکاری مردم به ویژه نیروی کار ساده شد. همچنین تورم فزاینده در اغلب کشورهای منطقه آمریکای لاتین ملاحظه گردید. این اصلاحات بازارمحور^۲، یکی از دلایل عمده افزایش نابرابری در حوزه آمریکای لاتین در دهه ۱۹۹۰ بود.

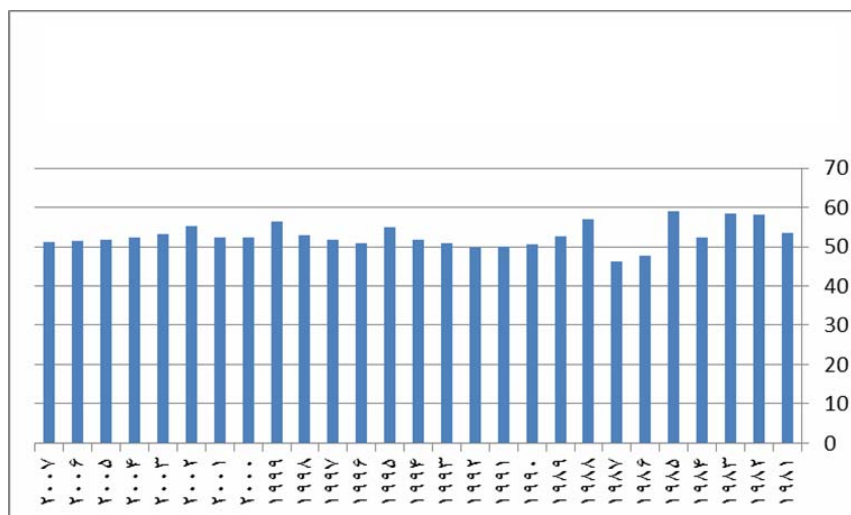
همچنین اغلب کشورهای این حوزه، در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی و اوایل دهه بعد، با بحران‌های اقتصادی زیادی روبرو بودند، به طوری که برای مثال، در سال

1. Gasparini, Cruces, Tornarolli
2. Market Oriented

۲۰۰۲، درآمد سرانه در کشورهای اروگوئه و آرژانتین، حدود ۱۲ درصد و در ونزوئلا، ۱۱ درصد کاهش یافت. این شرایط نیز موجب افزایش نابرابری در این منطقه شد.

اما از سال ۲۰۰۳ میلادی، اقتصادهای حوزه آمریکای لاتین روند بهبود خود را آغاز کردند. نابرابری درآمد در اکثر کشورهای این منطقه کاهش یافت. در دهه اول قرن بیستم، سیاست اقتصادی دولت‌هایی که قدرت را در منطقه آمریکای لاتین در دست گرفتند، با دهه قبل از آن متفاوت بود.

در این دوره، نقش دولت‌ها در اقتصاد افزایش یافته و سیاست‌های باز توزیع درآمد بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اندازه و پوشش برنامه‌های حمایت اجتماعی و عرضه خدمات و کالاهای یارانه‌ای نیز افزایش یافته است. این سیاست‌ها موجب شده است تا حدودی نابرابری درآمدی در این منطقه کاهش یابد (گاسپارینی، کراکس، تورنارولی، ۲۰۰۹: ۱۰).



نمودار (۱۱): میانگین ضریب جینی در منطقه آمریکای لاتین ۲۰۰۷-۱۹۸۱

منبع: محاسبات نگارنده

همانطور که در نمودار (۱۱) نیز ملاحظه می‌شود، میانگین ضریب جینی در منطقه آمریکای لاتین پس از سال ۲۰۰۲ کاهش یافته و از حدود ۵۵/۲ درصد در این سال، به ۵۱/۲ درصد در سال ۲۰۰۷ رسیده است که بهبود وضعیت توزیع درآمد

را در این منطقه نشان می‌دهد.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با وجود بهبودهایی که برای کاهش نابرابری در توزیع درآمد در میان جوامع مختلف پدید آمده است، هنوز شکاف درآمدی در میان افراد جامعه، یکی از نگرانی‌های اصلی سیاستگذاران و به‌ویژه اقتصاددانان است. این مسئله در کشورهای در حال توسعه، پیچیدگی بیشتری دارد. زیرا از یک سو، میزان درآمد سرانه در این کشورها کم است و برای بهبود آن، به نرخ رشد اقتصادی بالا نیاز دارند و از سوی دیگر، باید به دنبال کاهش نابرابری درآمدی در جامعه باشند. ارتباط این دو موضوع، یکی از پیچیدگی‌های علم اقتصاد است، به طوری که در دوره‌ای از تاریخ، که انباشت سرمایه مهمترین عامل رشد اقتصادی دانسته می‌شد، نابرابری درآمد مقوم و لازمه رشد شناخته می‌شد. البته در حال حاضر و با طرح نظریه‌های جدید، مانند توسعه انسانی و توسعه دانایی محور، بهبود همزمان نابرابری توزیع درآمد و رشد اقتصادی میسر شده است.

از ویژگی‌ها و مشخصه‌های اقتصاد کشورهای در حال توسعه حوزه آمریکای لاتین، درآمد سرانه کم و نابرابری در توزیع درآمد است. این نابرابری به ویژه در دهه ۱۹۹۰ میلادی و اوایل قرن بیستم، بیش از پیش در کشورهای مذکور افزایش یافت. برخی، مهمترین عامل افزایش نابرابری را در این منطقه، اجرای ناصحیح سیاست‌های بازار آزاد می‌دانند.

هر چند در برخی کشورهای منطقه، مانند برزیل و آرژانتین، رشد اقتصادی بالا به کاهش نابرابری منجر شده است، اما این ارتباط در کشوری مانند شیلی مشاهده نمی‌شود. در مجموع، دولت‌های جدید این منطقه، در کنار توجه ویژه به رشد اقتصادی، سیاست‌های حمایتی اجتماعی را نیز افزایش داده‌اند که تا حدودی، توزیع درآمد را در این منطقه بهبود بخشیده است. با وجود این، هنوز منطقه آمریکای لاتین تا دستیابی به میزان مطلوب توزیع درآمد راه زیادی در پیش دارد.

منابع

الف) فارسی

سلیمی فر و همکاران (۱۳۸۹). توسعه پایدار و توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه. مشهد: نشر جهان فردا.

ب) انگلیسی

- Atkinson, A. B. (1970). On the Measurement of Inequality. *Journal of Economic Theory*, 2, 244-63.
- Bacha, E., & Taylor, L. (1978). Brazilian income distribution in the 1960s: Facts, model, results, and the controversy. *Journal of Development Economics*, 14, 271-297
- Beezy, Naomi Rose (2008), Income Distribution in Venezuela Post Hugo Chavez, Working Paper, California State Polytechnic University, Pomona
- Blanco, Luisa (2010). Life is Unfair in Latin America, But Does it Matter for Growth. *World Development*, 38(3), 393-404.
- Coes, Donald V. (2008). Income distribution trends in Brazil and China: Evaluating absolute and relative economic growth. *The Quarterly Review of Economics and Finance*. 48, 359-369.
- Cowell, F. A. (1995). *Measuring Inequality* (2nd edition). Harvester Wheat sheaf, Hemel Hempstead.
- Dobson Stephen & Carlyn Ramlogan-Dobson (2010). Is there a trade-off between income inequality and Corruption? Evidence from Latin America. *Economics Letters*, 107, 102-104.
- Engel Eduardo, M. R. A., Galetovic Alexander & Raddatz, Claudio E. (1999). Taxes and income distribution in Chile: some unpleasant redistributive arithmetic. *Journal of Development Economics*, 59, 155-192.
- Gasparini, Leonardo, Cruces, Guillermo & Tornarolli, Leopoldo (2009). Recent trends in income inequality in Latin America. Society for the Study of Economic Inequality.
- Gerschenkron, Alexander (1962), *Economic backwardness in historical perspective, a book of essays*, Cambridge, Massachusetts: Belknap Press of Harvard University Press.
- Gini, C. (1912). *Variabilita e Mutabilita*. Bologna.
- Gradín Carlos & Rossi Máximo (2001). The Distribution of income in Uruguay: The effects of economic and institutional reforms. Sida/SAREC (Sweden) and a visiting fellowship to EEU, Department of Economics, Goteborg University.
- Kalwij Adriaan, Verschoor, Arjan (2007). Not by growth alone: The role of the distribution of income in regional diversity in poverty reduction. *European Economic Review*, 51, 805-829.
- Kuznets, S. (1955). Economic Growth and Inequality. *American Economic Review*, 45, 1-28.
- Langoni, Carlos Geraldo (1973), *Brazil; Economic policy; Income distribution*, Rio de Janeiro: BNH Information Office.
- Lewis, W. Arthur (1954). "Economic Development with Unlimited Supplies of Labor", *Manchester School of Economic and Social Studies*, Vol. 22, pp. 139-91.
- Litchfield, Julie A. (1999). *Inequality: Methods and Tools*. Retrieved from

- <http://www.worldbank.org/poverty/inequal/index.htm>
- Lucas, J. R. E. (1988). On the mechanics of economic development. *Journal of Monetary Economics*, 22, 3–42.
- Mahbub ul Haq (1973), *The Poverty Curtain: Choices for the Third World*, New York, Columbia University Press
- Manchester School, vol. 22, no. 2, pp. 139-191. rd University Press.
- Mussa, M. (1974). Tariffs and the distribution of income: the importance of factor specificity, substitutability and intensity in the short and long run. *Journal of Political Economy*, 82(6).
- Naomi, Beezy (2008). *Income Distribution in Venezuela*. California Polytechnic university. Pomona sotomyo.
- Nurkse, Ragnar. 1953. *Problems of Capital Formation in Underdeveloped Countries*. New York: Oxfo Lewis, W. A. (1954), 'Economic Development with Unlimited Supplies of Labour', *The*
- ORLANDO, J. (2009). Changes in the Distribution of Household Income in Brazil: The Role of Male and Female Earnings. *World Development*, 37(10), 1706–1715.
- Rostow, Walt Whitman (1960), *The Stages of Economic Growth: A Non-Communist Manifesto* (Cambridge: Cambridge University Press,
- Sotomayor Orlando J. (2009), Changes in the Distribution of Household Income in Brazil: The Role of Male and Female Earnings, *World Development*, 2009, vol. 37, issue 10, pages 1706-1715
- Walker, Douglas O. (2007). Patterns of income distribution among world regions. *Journal of Policy Modeling*, 29, 643–655.
- World Institute for Development economic Research (2009). *World Income Inequality Database*.